

ریشه‌یابی دلایل موافقت و مخالفت کشاورزان با مشارکت در طرح‌های یکپارچه‌سازی اراضی (مورد مطالعه: روستاهای منتخب شهرستان بوکان)

حسین میرزایی - دانشیار گروه مطالعات توسعه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
مهدی طالب* - استاد گروه مطالعات توسعه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
محمد کاکه‌پور - کارشناس ارشد گروه مطالعات توسعه، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۰۲/۲۳ تأیید نهایی: ۱۳۹۳/۰۴/۱۷

چکیده

یکپارچه‌سازی اراضی، یکی از مهم‌ترین سیاست‌های بنیادی در بخش کشاورزی است که بدون توجه به آن، مکانیزه‌کردن کشاورزی و افزایش کارایی در تولید برای حل این معضله‌ها دور از انتظار خواهد بود. از آنجاکه طرح‌های یکپارچه‌سازی اراضی، یکی از راه‌های رسیدن به توسعه کشاورزی و پایدار است و نقش مهمی در جهت رسیدن به این مهم ایفا می‌کند، هدف پژوهش حاضر، یافتن علل و عوامل مؤثری است که بر مشارکت‌کردن یا امتناع کشاورزان از مشارکت در این طرح‌ها تأثیر می‌گذارند تا در نهایت بتوان با کشف این موانع و دلیل‌یابی مخالفت کشاورزان، راهکارهایی ارائه کرد که تأثیر منفی موانع را کاهش دهد و عوامل مشوق در طرح‌ها را تقویت سازد. جامعه آماری پژوهش را روستاهای شهرستان بوکان و جمعیت نمونه را سه روستای عبدالله تپسی، ملالر و قلعه رسول‌سیت تشکیل می‌دهند. برای کشف و تبیین نیز روش پژوهش کیفی و ابزار مصاحبه گروه‌محور به کار گرفته شده است. براساس یافته‌های حاصل از پژوهش، مهم‌ترین علت مخالفت‌ها عبارت‌اند از: بی‌اهمیت‌بودن نحوه اجرا، تعلق خاطر شدید به زمین، نبود فرصت‌های شغلی در منطقه، بالابودن سطح بی‌اعتمادی، آگاهی‌نداشتن مردم به دلیل نبود اطلاع‌رسانی، نحوه اجرا و... همچنین مهم‌ترین علت موافقت با طرح‌ها، آگاهی کشاورزان از مزیت‌هایی چون کاهش هزینه‌ها و افزایش درآمد، مدیریت بهتر آب و خاک، افزایش ارزش زمین‌ها، کنترل بهتر، نظارت همه‌جانبه بر زمین‌ها و... هستند.

کلیدواژه‌ها: بوکان، پراکندگی اراضی، مشارکت، مصاحبه گروه‌محور، یکپارچه‌سازی اراضی.

مقدمه^۱

افزایش جمعیت و تقاضا برای مواد غذایی به‌علت تغییر در عادات مصرفی و افزایش مصرف، ضرورت تأمین این میزان تقاضا را اجتناب‌ناپذیر ساخته است و برای برآورده‌شدن این تقاضا، توجه به فعالیت بخش کشاورزی - که جایگاه آن مناطق روستایی است - امری ضروری به‌شمار می‌رود (طالب و عنبری، ۱۳۸۷: ۳۲۰). از سوی دیگر، این افزایش مصرف، سبب افزایش تقاضا برای منابع محدود در بخش کشاورزی مانند زمین، آب، سرمایه، نیروی کار و... می‌شود؛ بنابراین، آینده جهان به سمتی است که کشاورزان خرده‌پا افزایش یافته‌اند و مسئله کوچک‌شدن اراضی کشاورزی حادث شده است. در نتیجه به‌طور طبیعی، تهیه و تأمین کسری تولیدات غذایی داخلی از خارج، روزبه‌روز دشوارتر و ناامنی غذایی در کشور شدیدتر خواهد شد (محسنی، ۱۳۸۲: ۶۳). از این جهت، توسل به راهبردهای گوناگون توسعه، در واقع تلاشی است برای درمان این نبود توازن که امروزه دامن‌گیر کشور است. از علل این نبود توازن‌ها، علاوه بر ناآشنایی با فنون و قواعد نوین تولید کشاورزی، می‌توان به نبود یکپارچگی اراضی کشاورزی در روستاها اشاره کرد؛ بنابراین، یکپارچه‌سازی اراضی مزروعی، فعالیت و راه حلی محسوب می‌شود که در جهت کاهش تعداد قطعات و پراکندگی آن‌ها و رفع موانع توسعه کشاورزی، در بعضی از کشورهای جهان، از جمله ایران اعمال می‌شود. از سوی دیگر، امروزه اکثریت پژوهشگران حوزه اجتماعی، در این زمینه هم‌عقیده‌اند که یکی از موانع اصلی توسعه پایدار روستایی، برنامه‌ریزی بالا‌به‌پایین، بخشی‌نگری و کم‌توجهی به توسعه جامع و یکپارچه روستایی است؛ بنابراین، یکپارچه‌سازی اراضی، بیش از آنکه کاری فنی و فیزیکی و حتی اقتصادی باشد، یک کار فرهنگی، اجتماعی و حتی روانی است (پاپلی یزدی و حسین‌پور، ۱۳۷۱: ۱۸۲). مطالعه‌های بسیاری در زمینه مشارکت مردم در طرح‌های توسعه روستایی نشان داده است که چنانچه فعالیت‌های اجرایی بدون حضور مردم صورت گیرد، آن‌ها مسئولیت حفظ و نگهداری آن را برعهده نمی‌گیرند (فعلی و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۲۵) و حتی موفقیت یک طرح، در گرو پژوهش‌های متناسب با نوع نگرش و باورهای روستاییان و مشارکت‌دادن آنان در جریان طرح‌هاست (جمشیدی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۱).

منطقه مورد مطالعه (شهرستان بوکان) به‌طور کلی، ۱۹۴ روستا دارد و طرح‌های یکپارچه‌سازی در یک منطقه خاص - که شامل ۶ یا ۷ روستاست و شرایط مناسبی چون همواربودن برای اجرای طرح داشته - اجرا شده است. در سال ۱۳۷۳، جهاد کشاورزی، طرح یکپارچه‌سازی اراضی را اجرا کرد که به گواه متخصصان، طرح به‌طور کامل اجرا نشد. سپس در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۹، در سه روستای دیگر (ماللر، عبدالله تپسی و قلعه رسول‌سیت) طرح‌های یکپارچه‌سازی اراضی دوباره اجرا شد. در این میان، بنا به اظهار کارشناسان جهاد، کشاورزان بنا به دلایل مختلفی تمایلی به مشارکت در اجرای این طرح‌ها نداشتند و بنابراین، طرح‌ها تنها در سطح مسطح‌سازی و زهکشی بعضی از زمین‌ها باقی ماند. شایان ذکر است که علت انتخاب این روستاها برای انجام طرح از سوی مأموران جهاد کشاورزی، علاوه بر دشت‌بودن منطقه، قطعه‌قطعه‌بودن زمین‌ها بود، اما پرسشی اساسی که اینجا مطرح می‌شود این است که چرا طرح به‌طور کامل اجرا نشد؟ مسئله اصلی پژوهش این است که آیا واقعاً کشاورزان تمایلی به مشارکت نداشتند یا کارشناسان جهاد، طرح را به‌صورت اصولی و برنامه‌ریزی‌شده اجرا نکردند؟ اگر کشاورزان واقعاً مخالف با اجرای طرح بودند، علت مخالفتشان چه بود؟

این مخالفت‌ها و تمایل نداشتن به مشارکت در طرح‌های یکپارچه‌سازی، برای نگارندگان مسئله‌ای اساسی است. در این پژوهش، در پی پاسخگویی به این پرسش‌ها هستیم:

۱. مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد محمد کاکه‌پور با عنوان «مطالعه جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر مشارکت کشاورزان در طرح‌های یکپارچه‌سازی اراضی (روستاها) منتخب شهرستان بوکان» به راهنمایی دکتر حسین میرزایی و مشاوره دکتر مهدی طالب است.

۱. میزان آگاهی و اطلاع از طرح‌های یکپارچه‌سازی اراضی و تأثیر آن بر تمایل یا نبود تمایل به مشارکت در طرح‌های یکپارچه‌سازی چقدر است؟
 ۲. علت و دلایل کشاورزان برای موافقت یا مخالفت با طرح‌های یکپارچه‌سازی اراضی چیست؟
 ۳. چه راه‌حلهایی را می‌توان برای ایجاد انگیزه و تمایل کشاورزان به افزایش تمایل آنان به مشارکت در طرح‌ها پیشنهاد کرد؟
- در جهت پاسخگویی به این پرسش‌ها، با استفاده از ابزار مصاحبه‌های گروهی، عوامل مؤثر بر مشارکت‌نکردن روستاییان در طرح‌ها شناسایی شدند تا گامی در جهت یکپارچه‌کردن اراضی منطقه و به‌طور کلی، توسعه روستایی برداشته شود.

مبانی نظری

تعریف مشارکت، به شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نظام ارزش‌ها و اعتقادات هر جامعه وابسته است. با این حال، می‌توان پذیرفت که وجوه مشترکی در فرایند مشارکت در توسعه وجود دارد که پایه‌های اصلی آن به‌شمار می‌آید. این وجوه را می‌توان بدین‌شکل خلاصه کرد: مشارکت، شرکت آگاهانه و خودانگیخته (داوطلبانه) افراد در برنامه توسعه هر جامعه است (رضوانی، ۱۳۸۳: ۱۰۷-۱۰۸).

در دنیای متغیر کنونی، مشارکت نشانه کمال و توسعه تلقی می‌شود (حیاتی و دیدگاه، ۱۳۸۹: ۴۱۴). ارزش مشارکت، به نوع آن، وضعیت مشارکت‌کنندگان و کسانی که مشارکت به‌خاطر آنان صورت گرفته است، بستگی دارد (کوهن و آبهوف، ۱۹۸۰: ۲۱۴). لزوم مشارکت واقعی مردم، چه در برنامه‌های عمرانی و چه در توسعه ملی و نوسازی جامعه، همیشه مورد بحث جامعه‌شناسان بوده است (توسلی، ۱۳۸۲: ۶۵)؛ بنابراین، اندیشمندان علوم اجتماعی، هریک براساس زمینه‌های پژوهشی خود، تعریفی از مشارکت ارائه داده‌اند. به‌نظر اولسون، نظریه مشارکت، حاصل ایده گسترده کثرت‌گرایی اجتماعی^۱ است که نظریه‌پردازانی چون توکویل (۱۹۶۱)، دال (۱۹۵۶)، لیپست (۱۹۵۶)، کورتوزور و نیزبت (۱۹۶۲) آن را توسعه داده‌اند، اما آنچه صاحب‌نظران به‌صورت جدی به آن توجه کرده‌اند، این است که اندیشه‌های مربوط به دموکراسی، مهم‌ترین تأثیر را به‌لحاظ فکری در گسترش نظریه مشارکت داشته‌اند (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۳۶-۳۷).

در نتیجه، بسیاری از طرفداران مشارکت اجتماع محلی، با الهام از نظریه دموکراسی محلی، از ایجاد نهادهایی در مقیاس کوچک برای تحقق آرمان‌های سیاسی در روستاها و محله‌های شهری جهان سوم طرفداری کرده‌اند (میجلی و دیگران، ۱۹۸۶: ۱۶). برهمن اساس، گائوتری مشارکت را فرایندی اجتماعی، عمومی، یکپارچه، چندگانه، چندبعدی و چندفرهنگی می‌داند که هدف آن، کشاندن همه مردم به ایفای نقش در همه مراحل توسعه است (گائوتری، ۱۹۸۶: ۳۷).

همچنین اوکلی برای تعریف مشارکت، سه تفسیر را بیان می‌کند که عبارت‌اند از: مشارکت به‌عنوان سهم‌داشتن، مشارکت به‌عنوان سازمان، مشارکت به‌عنوان توانمندسازی (اوکلی و دیگران، ۱۹۹۹: ۸-۹). از دیدگاه برکلی^۲، «مشارکت یک حق انسانی است که به‌لحاظ ارزشی، به آزادسازی و اعتماد به خویش‌انسان و از لحاظ ابزاری، به بسیج و نقش‌آفرینی توده‌های انسانی در فرایندهای عملی حیات اجتماعی منجر می‌شود» (برکلی، ۱۹۹۶: ۶۵). به‌طور کلی، می‌توان گفت که مشارکت، پدیده پیچیده‌ای است که به تعداد بسیار زیادی از متغیرهای دارای وزن نسبی متفاوت، وابسته است (موسوی، ۱۳۹۱: ۵۰).

مفاهیم و تعاریف پراکندگی و یکپارچه‌سازی اراضی

طرح‌های یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی، صرفاً دربرگیرندهٔ بار تخصیص قطعات پراکنده نیست؛ بلکه ابزار مهم توسعهٔ نواحی روستایی نیز به‌شمار می‌رود و بدین‌علت است که این طرح‌ها در چارچوب توسعهٔ یکپارچهٔ زیربنایی، محیطی و چشم‌اندازهای روستایی به‌اجرا گذارده می‌شوند (افتخاری، ۱۳۷۷: ۱۳۱). اگر یکپارچه‌سازی اراضی از طریق اقدام جمعی مد نظر باشد، بین کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای درحال توسعه، تفاوت کمی وجود دارد. به‌همین‌علت، روش‌های یکپارچه‌سازی اراضی از روش‌های کاملاً داوطلبانه و اختیاری تا شیوه‌ای کاملاً اجباری متفاوت است (کلانتری و دیگران، ۱۳۸۴: ۷۰). در یک تعریف ساده می‌توان گفت: یکپارچه‌سازی اراضی، صحیح‌ترین روش مبارزه با معضل چندپارگی اراضی است و منظور از آن، تلفیق و توزیع مجدد زمین در یک ملک یا بخشی از یک ملک به‌گونه‌ای است که تعداد قطعات آن کاهش یابد (سینگ، ۱۳۷۴: ۲۳۵).

در فرهنگ کشاورزی ایران، یکپارچه‌سازی به معنای «حفاظت» و در فرهنگ جغرافیای انسانی، این واژه در نقطهٔ مقابل کلمهٔ پراکنش (تقطیع) به‌کار رفته است (گونیلی، ۱۳۶۳: ۱۵۵). از دید من^۱، «یکپارچه‌سازی» فرایندی از توسعهٔ روستایی است که موجب اصلاح زمین، جلوگیری از فرسایش خاک و اصلاح شبکه‌های آبیاری از طریق ادغام اراضی پراکنده می‌شود» (من، ۱۹۵۹: ۷). آگاروال^۲ «آن را فرایندی از توسعهٔ یکپارچه روستایی می‌داند که علاوه بر آرایش مجدد اراضی و بازسازی شبکه‌های ارتباطی، زهکشی سکونتگاه‌های روستایی به شیوهٔ بهره‌برداری فشرده و ساخت زراعی را شکل می‌بخشد» (آگاروال، ۱۹۶۶: ۷). همچنین این فرایند به نظر ژو^۳ (۱۹۹۹) با توسعهٔ روستایی همراه است و سبب بهبود کارایی عوامل می‌شود و گامی مهم در راستای بهبود نیروی کار و بهره‌وری بهینه از اراضی کشاورزی است (امیرنژاد و رفیعی، ۱۳۸۸: ۱۰۲). به‌طور کلی، یکپارچه‌سازی در مفهوم خاص خود به این معناست که «تمامی اراضی زارعان در یک منطقه یکپارچه شده و سپس به کشت یک محصول خاصی که به نظر محققان بالاترین راندمان را دارد و با شرایط محیطی و اقلیمی نیز به‌خوبی سازگار باشد، اختصاص می‌یابد» (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۲۶۱).

از سوی دیگر، آمار و ارقام نشان می‌دهد که در بین بهره‌برداران اراضی کل کشور، از ۲/۸ میلیون واحد بهره‌برداری موجود، بیش از ۸۰ درصد یعنی ۵/۴ آن‌ها را واحدهای سنتی خرد و دهقانی تشکیل می‌دهد که فقط ۳۰ درصد اراضی را در اختیار دارند (عبداللهی، ۱۳۷۷: ۶). براساس نتایج سرشماری عمومی کشاورزی سال ۱۳۸۲، نسبت واحدهای بهره‌برداری کمتر از یک هکتار، به ۸۶/۶ درصد کل بهره‌برداری‌ها می‌رسد که این نسبت در مقایسه با سال ۷۲، ۱/۷ درصد بیشتر شده است، در همین مدت متوسط، اندازهٔ بهره‌برداری‌ها از ۵/۵ هکتار به ۵/۱ هکتار کاهش یافته است (احمدی و امینی، ۱۳۸۶: ۲۸۳) که متخصصان روستایی، این تقطیع و کوچک‌شدن اراضی را به عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرایندهای فیزیکی و کاربردی نسبت داده‌اند (افتخاری، ۱۳۸۲: ۶۱-۶۵).

سابقهٔ طرح یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی در ایران نیز به اواسط دههٔ ۴۰ و اراضی شمال کشور برمی‌گردد (آشکار آهنگرکلایی و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۳۷). آنچه در برنامه‌های اول و دوم پنج‌سالهٔ توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی ایران استنباط می‌شود، بیانگر توجه دولت و مسئولان به این امر مهم است (ذوقی، ۱۳۷۴: ۲۹)؛ با وجود این، به اهمیت یکپارچگی اراضی، چه قبل از انقلاب و با شروع اصلاحات ارضی (تشکیل شرکت‌های سهامی زراعی و کشت و صنعت) و چه بعد از انقلاب و در واکنش به جنبش‌های اجتماعی و روستایی در کشور در زمینهٔ مالکیت و بهره‌برداری از اراضی با

تصویب لایحه واگذاری اراضی مصوب شورای انقلاب در سال ۱۳۵۹ به وسیله هیئت‌های هفت‌نفره توجه شده است (رضوانی، ۱۳۸۳: ۹۴).

روش پژوهش

دسته‌بندی‌های مختلفی از پژوهش براساس شیوه گردآوری داده‌ها وجود دارد. این پژوهش، کیفی است و از ابزار مصاحبه‌های کانونی (گروه‌محور) برای کشف و یافتن علل و موانع استفاده شده است. روش‌های کیفی، بیشتر با تولید و توصیف‌های استدلالی و کشف معناها و تفسیرهای کنشگران سروکار دارند (بلیکی، ۱۳۹۰: ۳۰۱-۳۰۲)؛ بنابراین، می‌توان گفت که پژوهش کیفی بر معنا در متن تمرکز دارد و برهمین اساس، نیازمند ابزار جمع‌آوری داده‌ای است که نسبت به معنای زیربنایی در هنگام جمع‌آوری و تفسیر داده‌ها حساس باشد (سیلورمن، ۱۹۹۳: ۱۴۵ به نقل از احمدرش، ۱۳۹۱: ۷۸).

مصاحبه گروه متمرکز^۱ یا گروه‌های محوری

گروه متمرکز، نوعی از مصاحبه است با رویکردی تعامل‌گرایانه که مبتنی بر مصاحبه بین افراد بر سر موضوع‌های خاص در یک فضای آزاد و درعین‌حال کنترل‌شده است. می‌توان از گروه متمرکز به منزله محرکی برای گفتمان و گفت‌وگوی روزمره یا روشی شبه طبیعت‌گرا^۲ برای مطالعه شکل‌گیری بازنمایی اجتماعی و به‌طور کلی‌تر، دانش اجتماعی استفاده کرد (فیلیک، ۱۳۸۸: ۲۲۲) و زمانی به‌کار می‌رود که دستیابی به بنیاد ذهنیت مشترک افراد، اهمیت داشته باشد. عمده پژوهشگران، در نمونه‌گیری پژوهش‌های کیفی، از راهبرد نمونه‌گیری هدفمند یا معیارمحور استفاده می‌کنند. محقق اگرچه می‌تواند از همه راهبردهای نمونه‌گیری در طرح پژوهش کیفی استفاده کند، پیشنهاد می‌شود که تناسب راهبرد نمونه‌گیری در نظر گرفته شود (محمدپور، ۱۳۹۰: ۱۰۹-۱۱۰). در این مطالعه، از سه روستای منتخب (در هر روستا یک گروه موافق و یک گروه مخالف با طرح‌ها)، شش گروه نماینده کل روستاییان با روش نمونه‌گیری هدفمند را- که قابل تعمیم به همه افراد روستا (از نظر موقعیت اجتماعی، اقتصادی، سن و...) بودند- انتخاب کردیم و با هریک از آنها، به‌صورت جداگانه در یک جلسه، مصاحبه گروهی انجام دادیم. تعداد افراد شرکت‌کننده در گروه‌ها، از هفت تا ده نفر متغیر بود. مشخصات روستاهای مورد مطالعه، وضعیت بهره‌برداری، مساحت زمین‌ها و پراکندگی آنها، به شرح جدول زیر است و به‌طور متوسط، اندازه زمین هر بهره‌بردار، ۷۳ هکتار است:

روستا	دهستان	جمعیت	خانوار	مرد	زن	مساحت زمین‌ها (هکتار)	دیم	آبی	تعداد بهره‌بردار	تعداد قطعات
ملالر	آختاچی شرقی	۴۸۵	۱۰۰	۲۴۵	۲۴۰	۷۵۰	۱۰۰	۶۵۰	۹۸	۲۱۹
عبدالله تپسی	آختاچی شرقی	۲۳۰	۳۵	۱۱۱	۱۱۹	۲۵۰	۱۰۰	۱۵۰	۲۷	۸۵
قلعه رسول سیت	آختاچی محال	۵۱۴	۱۰۲	۲۵۹	۲۵۵	۳۷۵	۴۵	۳۳۰	۱۱۶	۱۹۹
جمع	-	۱۲۲۹	۲۳۷	۶۱۵	۶۱۴	۱۳۷۵	۲۴۵	۱۱۳۰	۲۴۱	۵۰۳

1. Focus group
2. Quasi-naturalistic

بحث و یافته‌ها

در این بخش، سعی بر آن است که نحوه پرسش و پاسخ‌های بین مصاحبه‌گران و شرکت‌کنندگان بیان شود تا بتوان در نهایت، تحلیلی دقیق و علمی براساس یافته‌های شش گروه از مخالفان و موافقان طرح ارائه کرد. بر همین اساس، مصاحبه با گروه‌های مخالف و موافق روستاهای نمونه، در مسجد روستاها به صورت گروه‌های هفت الی ده نفره برگزار شد و پس از بیان مقدمات، مصاحبه‌گر با طرح سه سؤال کلی چپستی و میزان آگاهی از طرح، دلایل مخالفت و موافقت با طرح‌ها و راهکار و درخواست پیشنهاد برای ارتقای مشارکت در طرح‌های یکپارچه‌سازی اراضی به‌طور خاص و سایر طرح‌های توسعه‌ای به‌طور عام، مصاحبه‌ها را انجام داد. بر همین اساس، در این بخش نیز ابتدا میزان آشنایی و آگاهی مشارکت‌کنندگان را بررسی می‌کنیم و سپس به بیان علل مخالفت آنان با طرح می‌پردازیم. در نهایت، راهکارهای پیشنهادی گروه مخالفان و موافقان در زمینه راه‌های افزایش مشارکت و متمایل شدن به طرح‌ها را ارائه می‌دهیم.

مقوله‌های استخراج‌شده در مورد آگاهی از طرح‌ها و پاسخ به سؤال «چپستی»

در جدول زیر میزان آگاهی دو گروه از کشاورزان به صورت موردی بیان شده است:

میزان آگاهی موافقان از طرح‌های یکپارچه‌سازی اراضی	میزان آگاهی مخالفان از طرح‌های یکپارچه‌سازی اراضی
بیشتر اعضای گروه موافقان، افراد میانسال و جوانی بودند که دارای سواد دیپلم به بالا بودند و آگاهی نسبتاً خوبی از طرح‌ها داشتند. همچنین بیشتر آن‌ها در گروه‌هایی چون شورا، اتحادیه، هیئت امناء، دهیاری و... عضو بودند. همه اعضای گروه اظهار داشتند که از طرف رسانه یا دولت (اداره جهاد)، هیچ نوع اطلاع‌رسانی در این زمینه نشده و همچنین هیچ‌گونه دوره آموزشی برای مردم روستاها و توجیه این طرح‌ها تشکیل نشده است و اغلب آن‌ها بر این نکته تأکید داشتند که اجرای طرح‌ها، فواید زیادی به همراه دارد. در واقع، اغلب اعضای این گروه (نه همه آن‌ها)، یکپارچه‌سازی را با توجه به فواید آن، تعریف می‌کردند.	گروه مخالفان، بیشتر شامل افرادی، اغلب با سطح سواد ابتدایی یا بی‌سواد، با سن اغلب بالای ۵۰ سال (میانگین سنی برابر با ۵۳/۴ سال) بود. بیشتر مخالفان، زمین‌های کمی در اختیار داشتند. اغلب، صاحب تعداد نسبتاً زیادی فرزند پسر (عمدتاً بیکار و جوان) بودند. بیشتر افراد شرکت‌کننده در جلسات، تعریف و برداشت کاملی از طرح و نحوه اجرای آن نداشتند و طرح‌های یکپارچه‌سازی اراضی را فقط در حد مسطح‌سازی می‌دیدند. آن‌ها معتقد بودند که مزیت این طرح‌ها فقط این بود که می‌خواستند تپه و بلندی‌های زمین‌های ناهموار را بردارند و عرض جوی‌ها را کم کنند.

مفاهیم مهم مؤثر در میزان آگاهی کشاورزان از طرح را می‌توان سن، تحصیلات، عضویت در گروه‌های ثانوی، آگاهی و اطلاع‌رسانی و پایگاه اقتصادی به‌شمار آورد.

بنابراین، می‌توان از پاسخ‌های موافقان و با در نظر گرفتن متغیرها و مفاهیم فوق، این‌گونه استدلال کرد که عوامل زمینه‌ای ذکر شده، نقش مهمی در میزان پذیرش طرح‌ها از سوی جامعه کشاورزان دارد؛ به طوری که هرچه سطح تحصیلات، پایگاه اقتصادی و اجتماعی بالاتر باشد، میزان آگاهی و در نتیجه، میزان موافقت با طرح‌ها افزایش می‌یابد. در واقع، آگاهی به‌عنوان متغیر اصلی و متغیرهای زمینه‌ای، به‌عنوان متغیرهای واسطی عمل می‌کنند که از طریق تأثیرگذاری بر آگاهی، بر تمایل به مشارکت در طرح‌های یکپارچه‌سازی اراضی تأثیر داشته است.

از سوی دیگر، بیشتر کشاورزان علت ناآگاهی‌شان درباره طرح‌ها را نداشتن سواد، اطلاع‌رسانی نکردن سازمان ذی‌ربط و رسانه‌های جمعی اعلام می‌کنند و معتقدند که این ناآگاهی و نبود اطلاع‌رسانی، عامل مخالفت بیشتر مردم روستا با طرح و خودداری آن‌ها از مشارکت در طرح است.

تبیین و علت‌یابی مخالفت‌ها و موافقت‌ها با طرح

حال به بیان پاسخ به سؤال «چرایی» و دلیل موافقت و مخالفت‌های کشاورزان در قالب مقوله‌های استخراج‌شده از مصاحبه‌ها در سه روستای مورد مطالعه می‌پردازیم:

تبیین و علت‌یابی موافقت با طرح

۱. **کاهش هزینه‌ها و افزایش درآمد:** اولین و مهم‌ترین عللی که کشاورزان به آن اشاره دارند، کاهش هزینه‌ها و افزایش درآمد حاصل از اجرای طرح است. هزینه‌ها شامل هزینه‌های جانبی مثل زدن چاه برای تمام قطعات، هزینه‌های مصرف سوخت، حمل‌ونقل، تأمین نیروی کار و... است.
۲. **نیاز به نیروی کار کمتر به دلیل مکانیزه‌شدن کشاورزی:** از دید پاسخگویان، تکه‌تکه بودن زمین‌ها در سطح زمین‌های روستا و با فواصل زیاد، نیروی کار زیادی را می‌طلبد. به‌گونه‌ای که در این حالت، هریک از اعضای خانواده (یا کارگران) مجبورند به‌طور جداگانه در فصل کشاورزی، روی یک تکه از زمین‌ها کار کنند.
۳. **مدیریت بهتر آب و خاک:** موافقان بر این نکته تأکید دارند که در سال‌های اخیر، با مشکل کم‌آبی و خشکسالی روبه‌رو شده‌اند و بهترین راه حل کاهش مصرف آب، یکپارچه‌کردن زمین‌های مالک یا کل مالکان روستاست. در صورت تکه‌تکه‌بودن زمین‌ها، برای هر قطعه از زمین‌های مالکان، امروزه یک چاه آب لازم است؛ بنابراین، مالکی که برای مثال، ده هکتار زمین در پنج قطعه جدا از هم دارد، باید پنج چاه آب بزند. همچنین یکی از عوامل اتلاف آب، جوی‌های عریض و نامنظم است. برای انتقال آب به هر قطعه زمین، جوی‌های عریض و طولی ایجاد شده‌اند که میزان زیادی از آب را هدر می‌دهند، اما اگر یکپارچه و در یک قطعه باشند، فقط یک جوی آب با شکل منظم هندسی لازم است که این کار به میزان زیادی به صرفه‌جویی در مصرف آب منجر می‌شود.
- مسئله دیگر از دید آنان، مدیریت خاک و حفاظت از آن است. آن‌ها معتقدند که خاک منطقه به‌علت رسی‌بودن، زود فشرده می‌شود. این فشردگی، از حاصلخیزی خاک می‌کاهد و موجب کاهش محصول می‌شود. یک مالک، برای عملیات زراعی روی زمین‌های چندتکه مجبور است همواره ادوات کشاورزی مانند تراکتور را به داخل زمین‌ها بیاورد و مثلاً برای شخم قطعه زمینی کوچک، بارها رفت‌وآمد کند؛ در حالی که اگر زمین‌ها در یک قطعه بزرگ جمع شوند، میزان رفت‌وآمدها کاهش می‌یابد، امکانات و وسایل پیشرفته‌تر برای عملیات زراعی به کار گرفته می‌شود و به میزان زیادی از فشردگی خاک جلوگیری می‌شود.
۴. **مدیریت زمان:** برخلاف عقیده بسیاری از نظریه‌پردازان (مانند نظریه خرده‌فرهنگ دهقانی راجرز)، امروزه بحث زمان برای مردم روستایی و روستاییان، بسیار بااهمیت تلقی می‌شود و حتی کاهش اتلاف وقت و سرعت بیشتر در انجام کارهای زراعی، به‌عنوان یکی از عوامل مهم در موافقت با طرح‌های یکپارچه‌سازی اراضی بیان شده است؛ به‌طوری‌که بحث زمان و اهمیت‌داشتن آن برای کشاورزان، از دو جنبه شایان توجه است:
 - ۴-۱. **زمان انجام عملیات زراعی:** انجام‌شدن کارهای کاشت، داشت و برداشت محصول در زمان‌های مناسب، برای کشاورزان اهمیت بسیار دارد؛ چراکه کاشت به‌موقع محصول، انجام عملیات روی زمین و محصول‌های کشت‌شده در زمان مناسب، موجب برداشت محصول در زمانی خواهد شد که به اصطلاح کشاورزان «وقت خودش است» و این برداشت به‌موقع، علاوه بر هدرندادن محصول‌ها (به‌علت زیاده‌ماندن روی زمین)، از نظر اقتصادی و قیمت‌ها به‌صرفه‌تر است؛ زیرا همیشه محصول‌های کشاورزانی که زودتر به‌بار می‌آیند، به‌علت زیادبودن تقاضا و کم‌بودن عرضه، همیشه سطح قیمت بالاتری نسبت به مثلاً یک هفته بعد، دارند.
 - ۴-۲. **زمان تأمین نهاده‌ها:** بعضی از پاسخگویان معتقدند که امروزه بسیاری از مشکل‌های ما، تأمین و توزیع زمان نامناسب نهاده‌ها یا حتی اعتبارها و تسهیلات است. در حالی که ما نباید این‌گونه قضاوت کنیم که فقط تقصیر سازمان‌های مرتبط است. در صورتی که میزان قطعات و تعداد بهره‌برداران زیاد باشد، تقاضا برای تأمین نهاده‌ها و توزیع آن‌ها افزایش می‌یابد و این افزایش تقاضا، خودبه‌خود به افزایش قیمت‌ها و حتی به‌راه‌افتادن بازار سیاه منجر خواهد شد و

زمینه را برای فعالیت واسطه‌ها فراهم خواهد کرد، اما اگر زمین‌ها یکپارچه شود و یک یا دو محصول به صورت دسته‌جمعی کشت شود، تعداد بهره‌بردارانی که روی زمین‌ها فعالیت دارند، بسیار کم خواهد بود و برای گرفتن اعتبار یا نهاده‌ها، از طریق نمایندگان تعاونی یا روستاییانی که مورد قبول همه باشند، اقدام می‌شود و چنین مشکل‌هایی را به همراه نخواهد داشت.

۵. افزایش سطح زیر کشت: میزان زیادی از زمین‌ها در روستاها، به فاصله و مرزهای بین مزارع، جوی‌های آب عریض و نامنظم، راه‌های بین مزارع، حاشیه‌های مرز بین زمین‌ها و... اختصاص یافته است. با یکپارچه کردن و جمع کردن قطعات یک مالک یا تمامی مالکان، این فاصله‌های بین زمین‌ها برداشته می‌شود، میزان زیادی از راه‌ها و جوی‌های اضافی حذف می‌شود یا به مقدار خیلی زیادی از عرض آن‌ها کاسته می‌شود.

۶. مدیریت بهتر آفات و امراض: در زمین‌های یکپارچه و بزرگ، به راحتی می‌توان علاوه بر استفاده از ماشین‌آلات برای کنترل امراض، از رشد و پخش بسیاری از علف‌های هرز- که مخصوص حاشیه‌های زمین‌هاست- جلوگیری کرد؛ زیرا در قطعات کوچک، حاصلخیزی بسیاری از زمین‌ها (مانند مرز بین زمین‌های مالکان یا زمین‌های کنار راه‌های ارتباطی بین مزارع) به علت حاشیه‌ای بودن کاهش یافته است. خاک‌ها به دلایلی چون رفت‌وآمدهای زیاد فشرده می‌شوند و تقریباً هیچ‌گونه بازده و محصولی ندارند.

تبیین و علت‌یابی مخالفت با طرح

در این بخش، عواملی که موجب مخالفت کشاورزان با طرح‌ها شده است و تمایل آن‌ها به مشارکت در این طرح‌ها را کاهش داده است، شناسایی و توضیح داده می‌شوند:

۱. نحوه اجرای طرح: آنچه به عنوان یکی از مهم‌ترین علل مخالفت با این طرح‌ها در میان پاسخگویان، فرایند اجرای کار، نحوه مدیریت زمین‌ها، بازه زمانی فرایند اجرای کار و همچنین نحوه اجرای طرح است. از دید مخالفان، مهم‌ترین عواملی که موجب القای چنین دیدی به آنان شده، بدین شرح است:

۱-۱. نحوه مدیریت اجرای طرح: از نظر آنان، مجریان طرح، هیچ‌گونه برنامه‌ریزی دقیق و حساب‌شده‌ای برای اجرا و پیاده‌سازی طرح ندارند و بدون توجه به کیفیت انجام کار، هدف فقط اجراست.

۱-۲. بازه زمانی انجام طرح: به نظر گروه‌های مخالف، مجریان طرح، شرایط درآمدی و زندگی روستاییان را در نظر نمی‌گرفتند و هرگاه بودجه‌ای در اختیارشان قرار داده می‌شد و حوصله کار داشتند، به روستاها می‌آمدند و مسطح‌سازی را آغاز می‌کردند (به طوری که سه سال زمین‌ها بلااستفاده ماند).

۱-۳. نیمه‌کاره رهاکردن طرح: عامل سوم، رهاکردن طرح، پیش از اتمام کامل اجراست. از نظر بسیاری از مخالفان، یکی از مشوق‌های موافقت و تمایل به مشارکت، اجرای کامل و تمام و کمال طرح است. عمده مخالفان، در این زمینه هم‌عقیده‌اند که هدف، یکپارچه‌سازی و یک‌تکه کردن زمین‌های کل روستا و همه مالکان بوده است، اما آنچه در عمل مشاهده و اجرا شده، تنها مسطح‌سازی بخشی از زمین‌های روستاهاست. عامل دیگر در بحث نیمه‌کارماندن طرح، مرزبندی زمین‌ها و راه بین مزارع است. کارشناسان، راه‌های ارتباطی زمین‌های کشاورزی را که برای زمین، عاملی حیاتی محسوب می‌شود، در نظر نگرفته‌اند و حتی مهم‌ترین اشکال کار را که موجب به‌وجود آمدن اختلاف میان مردم روستا شده است، از دید کشاورزان، همین بی‌توجهی به راه بین زمین‌ها بوده است.

۲. کیفیت متفاوت زمین‌ها: دومین عامل مهم و تأثیرگذار بر مخالفت کشاورزان در این زمینه این است که زمین‌های مردم روستا، از خیلی جوانب با یکدیگر تفاوت دارند. مهم‌ترین تفاوت زمین‌ها از دید مخالفان- که عاملی بر

تمایل نداشتن آنان به مشارکت در طرح‌ها بوده است - کیفیت متفاوت زمین‌ها از نظر میزان حاصلخیزی، کیفیت خاک، سطح مکانیزه‌کردن، نهاده‌های به‌کاررفته و کیفیت و اعتبار زمین‌ها از نظر نوع سند مالکیت (سند ثبتی یا عادی) است که به‌نظر کشاورزان، مجریان این تفاوت‌ها را در نظر نمی‌گرفتند.

۳. تعلق خاطر شدید به زمین: عامل مهم دیگری که در میان کشاورزان، به‌ویژه کشاورزان مسن مطرح می‌شود، تعلق خاطر شدید به زمین‌ها و علاقه‌ای است که به زمین‌ها دارند. افراد مسن، به‌دلیل همین علاقه، بسیار بیشتر از سایر افراد گروه، ابراز مخالفت می‌کنند. درحالی‌که در میان کشاورزان جوان‌تر این علت مطرح نمی‌شود و آن‌ها این تعلق خاطر شدید را به زمین خود ندارند.

۴. بی‌اعتمادی: عامل دیگر مخالفت، بی‌اعتمادی به سایر مردم روستا و ارگان‌ها و نهادهای دولتی است. این بی‌اعتمادی را می‌توان «اعتماد بین فردی» و «اعتماد نهادی» نامید. بی‌اعتمادی بین فردی، بیشتر بر سر مسائل مربوط به شانه‌خالی‌کردن از زیر کارهای جمعی، مطمئن‌نبودن از انجام کارهای کشاورزی به‌صورت جمعی و... بیان می‌شود. نکته‌ی شایان توجه دیگر در مورد اعتماد مردم، سطح بالای بی‌اعتمادی مردم روستا، نسبت به مجریان طرح و مأموران اداره‌های دولتی است. آن‌ها میزان زیادی از این بی‌اعتمادی را ناشی از تجربه‌های ناخوشایند گذشته می‌دانند و معتقدند که مأموران در کارهایشان بسیار پارتی‌بازی می‌کنند و کشاورزانی که از نظر زمین و دارایی، موقعیتی بهتر از دیگران دارند، بیشتر مورد توجه مجریان و مأموران هستند.

۵. ناآگاهی: یکی دیگر از عوامل مخالفت کشاورزان، سواد پایین مردم در زمان اجرای طرح و اطلاع‌رسانی‌نکردن نهادهای دولتی و رسانه‌هاست. همچنین مردم روستا در آن زمان، بسیار ساده‌تر از این دوره بوده‌اند و هنگام اجرای طرح نیز مجریان هیچ‌گونه اطلاعاتی در اختیار مردم قرار ندادند تا بتوانند طرح را در بین مردم از نظر اجتماعی و اقتصادی توجیه کنند.

۶. احساس بی‌قدرتی و نارضایتی: احساس بی‌قدرتی و نداشتن تأثیر در تصمیم‌های دولت، نارضایتی از نحوه‌ی توجه سازمان‌های مربوط به روستا به خواسته‌های مردم و بی‌توجهی به نیاز کشاورزان، به‌عنوان یکی دیگر از عوامل مخالفت کشاورزان بیان شده است.

نتیجه‌گیری

به‌طور کلی می‌توان مهم‌ترین اثر یکپارچه‌سازی اراضی را، منطقی‌شدن نظام کشت و افزایش عملکرد دانست. همچنین با استفاده از برنامه‌های یکپارچه‌سازی در منطقه براساس نظر کارشناسان و متخصصان امر - با پیاده‌سازی الگو و برنامه‌ی کشت یکپارچه - پس از کشت اولیه و برداشت محصول می‌توان زمین زراعی را به کشت محصول‌های دیگر اختصاص داد و از این طریق نیز به تولید و درآمد بیشتر در کشاورزی و درنهایت، توسعه‌ی روستایی و خودکفایی در تولید امیدوار بود؛ بنابراین، توجه بیشتر سیاستگذاران در زمینه‌ی تشویق کشاورزان به یکپارچه‌سازی اراضی سنتی و دخالت‌دادن آنان در طرح‌ها، بسیار مؤثر واقع می‌شود.

در این قسمت، با توجه به یافته‌های پژوهش، راهکارهایی ارائه می‌شود که به حل این مسائل کمک کند تا از این طریق بتوان به هدف مد نظر پژوهش - چه در سطح خرد و روستاهای مورد مطالعه و چه در سطح کلان و ملی - دست یافت:

۱. از آنجاکه یکی از عوامل مثبت و تأثیرگذار در تمایل به مشارکت، آگاهی و اطلاع‌رسانی است، توجه به بخش روابط عمومی سازمان‌های ذی‌ربط، مبلغان توانا و رسانه‌های محلی در چارچوب برنامه‌های خرد و کلان، بسیار شایان توجه

است. در صورتی که مردم درباره ایده و روش نوینی که موجب تغییر شیوه کشت و حتی زندگی آنان می‌شود، آگاهی نداشته باشند، نه تنها از آن استقبال نخواهند کرد، بلکه با اجرا و رواج ایده‌های نو مخالفت می‌ورزند تا از اجرای این روند جلوگیری کنند. روابط عمومی سازمان‌های ذی‌ربط، بنا به وظیفه تخصصی خود باید مقدمات ارتباط با رسانه‌ها و انتشار پیام‌ها را برای آگاهی افراد فراهم سازند. این مهم، مستلزم داشتن تخصص در زمینه ارتباطات و روابط عمومی است. تولید پیام‌های اقناعی برای اشاعه یک نوآوری و موفقیت انجام آن، جزئی از وظایف روابط عمومی سازمان‌هاست.

علاوه بر این بخش، وجود مروجان آگاه به فن ترویج، اقناع و توجیه نیز به‌عنوان واسط میان مردم و سازمان برای اطلاع‌رسانی برای اجرای موفق و پذیرش طرح‌ها در بین مردم، امری حیاتی به‌نظر می‌آید. ترویجگران از طریق استفاده از کلاس‌های آموزشی و ترویجی، نشان‌دادن الگوهای موفق در سایر کشورها و حتی در منطقه، به توجیه مزیت‌های طرح بپردازند و مردم روستاها را نسبت به آن آگاه سازند تا در راستای توسعه یکپارچه‌سازی و ایجاد آمادگی و مشارکت آنان در اجرای چنین طرح‌هایی، مؤثر واقع شوند.

این دو مورد به علت‌هایی اشاره دارد که سازمان باید در سطح خرد و کلان به آن توجه کند، اما بحث دیگری که در مورد آگاهی کشاورزان مطرح است، به خود کشاورزان و عواملی برمی‌گردد که سطح اطلاعات و آگاهی کشاورزان را افزایش می‌دهد. متغیر تحصیلات در این زمینه، نقشی اساسی و مهم ایفا می‌کند؛ چراکه اغلب کشاورزانی که از طرح‌ها ابراز بی‌اطلاعی کردند، کسانی بودند که یا بی‌سواد بودند یا سوادشان بسیار اندک بود. یکی از راه حل‌ها، ایجاد انگیزه و زمینه لازم برای جذب نسل جوان و تحصیل کرده به بخش کشاورزی، برای افزایش سطح آگاهی و جلب مشارکت مردم است.

۲. بی‌اعتمادی مردم به مأموران و ارگان‌های دولتی را بیش از هر چیز ناشی از فعالیت‌ها و عملکرد ضعیف دولت در زمینه اجرای طرح و سایر وظایف مربوط به امور روستاییان می‌دانند؛ بنابراین، ضروری است برای اعتمادسازی دوباره برای اجرای دوباره طرح، یک ارزیابی دقیق برای بررسی وضعیت زندگی کشاورزان در مورد وضعیت بیکاری، زمینه‌های اشتغال، مساحی و نقشه‌کشی دقیق زمین‌ها با مشارکت و حضور کشاورزان در زمان اجرا، داشتن دید سیستمی و نظام‌مند، توجه به تمام جنبه‌های پراکندگی و یکپارچگی اراضی و... ضروری است. کاهش نقش تصدی‌گری دولت و تأکید بر کاهش تمرکزگرایی و تقویت و ایجاد سازمان‌های اجتماعی مانند انجمن‌ها، شوراهای تعاونی‌های روستایی، افزایش تعامل میان مردم روستا، تسهیل و افزایش پتانسیل همکاری و تعامل میان مردم، راهکارهایی است که مشارکت مردم را تسهیل می‌کند و از پیش‌شرط‌های ضروری برای افزایش انگیزه مردم برای مشارکت و نگهداری از دستاوردهایی است که خود در ایجاد آن سهمیم بوده‌اند.

۳. برنامه‌ریزی یکپارچه و نظام‌مند، یکی از عوامل جلب مشارکت و موافقت مردم در طرح‌های یکپارچه‌سازی اراضی است. یکپارچه‌سازی باید در چارچوب سیاست‌های کلی توسعه روستایی و کشاورزی، به‌عنوان فعالیتی مشارکتی و برخاسته از بطن جامعه گنجانده شود که تحقق آن نیازمند ایجاد محیطی توانمندساز است تا زمینه مشارکت فعالانه همه ذی‌نفعان و دست‌اندرکاران را فراهم آورد. با چنین نگرش یکپارچه و فرایندی و با در نظر گرفتن شرایط محیطی، اعم از ساخت اجتماعی، اقتصادی و اکولوژیکی است که توسعه کشاورزی و روستایی، جنبه عینی به خود می‌گیرد.

۴. یکی دیگر از مهم‌ترین راه‌های جلب مشارکت روستاییان در طرح‌های عمرانی از جمله یکپارچه‌سازی، به نظر افراد موافق طرح، استفاده از افراد بانفوذ در روستا مانند ریش‌سفیدان، دهیار، شورای ده، هیئت امنای مسجد، افراد تحصیل کرده و... است؛ چراکه این افراد در میان مردم روستا و در جامعه روستایی، در بین مردم نفوذ بسیاری دارند و به‌عنوان افراد معتمد در روستاها، حتی در حل مسائل و مشکل‌های خانوادگی، مشکل‌های مربوط به زمین‌ها و نفوذ در

اداره‌ها و سازمان‌ها ایفای نقش می‌کنند؛ بنابراین، سازمان‌های ذی‌ربط می‌توانند اجرای طرح‌ها را از زمین‌های این افراد آغاز کنند.

منابع

۱. آشکار آهنگرکلایی، محمدعلی و دیگران، ۱۳۸۵، بررسی نگرش کشاورزان به طرح یکپارچه‌سازی اراضی در شالیزارهای مازندران (مطالعه موردی: روستای گلیرد شهرستان جویبار)، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال چهاردهم، شماره ۵۵.
۲. احمدرش، رشید، ۱۳۹۱، تحلیل جامعه‌شناختی پیامدهای ورود عناصر مدرن به کردستان (مورد مطالعه: جامعه روستایی مکریان)، رساله دکتری مطالعات توسعه، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران.
۳. احمدی، عبدالحسین و امیرمظفر امینی، ۱۳۸۶، عوامل مؤثر بر تقاضای اجرای طرح‌های یکپارچه‌سازی اراضی از نظر کارشناسان کرمانشاه و منطقه لنجانان اصفهان، مجله علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی، سال یازدهم، شماره ۴۲.
۴. افتخاری، رکن‌الدین، ۱۳۷۷، ارزیابی طرح‌های یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی، مجله مدرس علوم انسانی، شماره ۸.
۵. افتخاری، رکن‌الدین، ۱۳۸۲، توسعه کشاورزی: مفاهیم، اصول، روش تحقیق، برنامه‌ریزی در یکپارچه‌سازی کشاورزی، سمت، تهران.
۶. امیرزاد، حمید و حامد رفیعی، ۱۳۸۸، بررسی عوامل اقتصادی - اجتماعی بر مشارکت بهره‌برداران در اجرای طرح‌های مرتعداری، مجله علمی - پژوهشی مراتع، سال سوم، شماره ۳.
۷. بلیکی، نورمن، ۱۳۹۰، طراحی پژوهش‌های اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان، نشر نی، تهران.
۸. پاپلی یزدی، محمدحسین و زهره حسین‌پور چالاک، ۱۳۷۱، پراکندگی زمین‌های کشاورزی، مجله تحقیقات جغرافیایی، شماره ۲۷.
۹. پاپلی یزدی، محمدحسین و محمدامیر ابراهیمی، ۱۳۸۷، نظریه‌های توسعه روستایی، سمت، تهران.
۱۰. توسلی، غلامعباس، ۱۳۸۲، مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک، رابطه آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی با مشارکت اجتماعی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۱. جمشیدی، علیرضا، تیموری، مصطفی، حاضری، محمد و کوروش روستا، ۱۳۸۸، عوامل مؤثر بر مشارکت کشاورزان در اجرای طرح‌های یکپارچه‌سازی اراضی استان ایلام (مطالعه موردی: شیروان و چرداول)، فصلنامه توسعه و روستا، سال دوازدهم، شماره ۱.
۱۲. حیاتی، زهیر و فرشته دیدگاه، ۱۳۸۹، مطالعه تطبیقی میزان گرایش پژوهشگران ایرانی در حوزه‌های موضوعی مختلف به مشارکت و همکاری در سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۷، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران، دوره ۲۵، شماره ۳.
۱۳. ذوقی، محمد، ۱۳۷۴، استراتژی یکپارچه‌سازی اراضی تحت کشت‌وکار خانوار روستایی، مجله جهاد، سال شانزدهم، شماره‌های ۱۸۶-۱۸۷.
۱۴. رضوانی، محمدرضا، ۱۳۸۳، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، قومس، تهران.
۱۵. سینگ، جاسبر و اس. اس. برتون، ۱۳۷۴، جغرافیای کشاورزی، ترجمه سیاوش دهقانیان و دیگران، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد.
۱۶. طالب، مهدی و موسی عنبری، ۱۳۸۷، جامعه‌شناسی روستایی با تأکید بر ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۷. عبداللهی، محمد، ۱۳۷۷، نظام بهره‌برداری کشاورزی در ایران، انتشارات وزارت کشاورزی، تهران.
۱۸. غفاری، غلامرضا و محسن نیازی، ۱۳۸۶، جامعه‌شناسی مشارکت، نشر نزدیک، تهران.

۱۹. فعلی، سعید و پزشکی راد، غلامرضا، چیدری، محمد و مسیب بقایی، ۱۳۸۷، عوامل مؤثر بر مشارکت کشاورزان گندمکار در طرح گندم (مطالعه موردی: تهران)، فصلنامه توسعه و روستا، سال یازدهم، شماره ۳.
۲۰. فلیک، اووه، ۱۳۸۸، درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، نشر نی، تهران.
۲۱. کلانتری، خلیل، حسینی، سیدمحمد و عبدالله‌زاده، غلامحسین، ۱۳۸۴، ساماندهی و یکپارچه‌سازی اراضی روستایی با استفاده از تجارب کشورهای اروپای شرقی، فصلنامه توسعه و روستا، سال هشتم، شماره ۳.
۲۲. گونیلی، ابوالحسن، ۱۳۶۳، فرهنگ کشاورزی ایران، چاپ سوم، امیرکبیر، تهران.
۲۳. محسنی، رضاعلی، ۱۳۸۲، نوسازی و یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی در فرایند توسعه، مجله تعاون، دوره جدید، شماره‌های ۱۴۶ و ۱۴۷.
۲۴. محمدپور، احمد، ۱۳۹۰، روش تحقیق کیفی: ضد روش، جلد دوم، انتشارات جامعه‌شناسان، تهران.
۲۵. موسوی، میرطاهر، ۱۳۹۱، درآمدی بر مشارکت اجتماعی، انتشارات جامعه‌شناسان، تهران.
26. Abdullahi, M., 1998, **System of Agriculture Exploitation in Iran**, Publishing Department of Agriculture, Tehran. (*In Persian*)
27. Ahmadi, A. and Amini, A. M., 2007, **Effective Factors on Demand for Land Consolidation Projects from the View of the Experts Kermanshah and Lajanat Region of Isfahan**, Journal of Science and Technology of Agriculture and Natural Resources, Vol. 11, No. 42. (*In Persian*)
28. Ahmadrash, R., 2012, **Sociological Analysis of the Consequences of Modern Elements in Kurdistan (Case Study: Rural Community Mokriyan)**, PhD Thesis, Department of Development Studies, Faculty of Social Sciences, Tehran University, Tehran. (*In Persian*)
29. Amirnejad, H. and Rafiee, H., 2009, **Evaluation of Socio-economic Factors on Farmers' Participation in Ranch Projects Management**, Journal of Scientific Research Pastures, Vol. 3, No. 3. (*In Persian*)
30. Ashkar Ahangar Kalaei. M. A., et al, 2006, **A Survey of Farmers' Attitudes for Land Consolidation Project in Mazandaran Paddies (Case Study: Glyrd Village of Jouibar City)**, Agricultural Economics and Development, Vol. 14, No. 55. (*In Persian*)
31. Blake, N., 2011, **Designing Social Researches**, Translated by: Chavoshyan, H., Ney Press, Tehran.
32. Burkely, S., 1996, **People Frist: A guide to Self-Reliant Participatory Rural Development**, Zedbooks, London.
33. Cohen, J. M. and Upholf Norman, T., 1980, **Participations Place in Rural Development, Seeking Clanty Though Specifieity**, World Development, Vol. 8, pp. 213-235.
34. Eftekhari, R., 2003, **Agricultural Development: Concepts, Principles, Research Methods, Planning in Integration of Agriculture**, Samt, Tehran. (*In Persian*)
35. Eftekhari, R., 1998, **Evaluation of Land Consolidation Projects**, Modarres Journal of Humanities, No. 8. (*In Persian*)
36. Feli, S., Pezeshkirad, Gh., Chizari, M. and Baghaei, M., 2008, **Effective Factors on Farmers Participation in the Wheat Project (Case Study: Tehran)**, Quarterly Journal of Rural And Development, Vol. 11, No. 3. (*In Persian*)
37. Gaotri, H., 1986, **Popular Participation in Development**, Unesco, Paris.
38. Ghaffari, Gh. and Niazi, M., 2007, **Sociology of Participation**, Nazdik press, Tehran. (*In Persian*)
39. Gounili, A., 1984, **Culture of Agriculture of Iran**, 3rd Ed, Amir Kabir, Tehran. (*In Persian*)
40. Hayati, Z. and Didegah, F., 2010, **A Comparative Study of Iranian Researcher's Tendency in Different Thematic Fields in Participation and Cooperation in the Years 1998 to 2007**, Quarterly Journal of Institute of Science and Information Technology of Iran, Vol. 25, No. 3. (*In Persian*)

41. Jamshidi, A., Teimuri, M., Hazeri, M. and Roosta, K., 2009, **Effective Factors on Farmers' Participation in Land Consolidation Projects in Ilam province (Case Study: Shiravan and Chardavol)**, Journal of Rural Development, Vol. 12, No. 1. *(In Persian)*
42. Kalantari, Kh. Hosseini, S. M. and Abdullahzadeh, Gh., 2005, **Organizing and Integration Rural Lands According to Eastern Europe Countries Experiences**, Quarterly Journal of Rural and Development, Vol. 8, No. 3. *(In Persian)*
43. Mann, W. S., 1959, **Scope for Consolidation of Holdings Soil Conservation and its Effect in Agricultural Production**, Indian Agricultural Economic, Vol. 14, No. 3.
44. Midgely, J., et al, 1986, **Community Participation, Social Development and the State**, Methuend, London.
45. Mohammadpour, A., 2011, **Qualitative Research Methods: Anti-method**, Vol. 2, Sociologists Press, Tehran. *(In Persian)*
46. Mohseni, R. A., 2003, **Revival and Integration of Agricultural Land in the Development Process**, Journal of Ta'avon, New Issue, No. 146-147. *(In Persian)*
47. Moussavi, M., 2012, **Introduction to Social Participation**, Sociologists Press, Tehran. *(In Persian)*
48. Oakley, P., et al, 1999, **Protects with People: The Practice of Participation in Rural Development**, ILO, Geneva.
49. Papoly Yazdi, M. H. and Ebrahimi, M. A., 2008, **Theories of Rural Development**, Samt, Tehran. *(In Persian)*
50. Papoly Yazdi, M. H. and Hossainpour Chalaki, Z., 1992, **Distribution of Agricultural Land**, Journal of Geographical Research, No. 27. *(In Persian)*
51. Phyllic, U., 2009, **An Introduction to Qualitative Research**, Translated by: Jalili, H., Ney Press, Tehran. *(In Persian)*
52. Rezvani, M. R., 2004, **Introduction to Rural Development Planning in Iran**, Ghomes, Tehran. *(In Persian)*
53. Santosh Kumar, A., 1996, **Economic of Consolidation of Holdings in Uttar Pradesh: A Case Study of Jucknow District**, Indian Journal of Agricultural Economic, Vol. 21, No. 3.
54. Singh, J. and Burton, S. S., 1995, **Agricultural Geography**, Translated by: Dehghanian, S., et al, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad. *(In Persian)*
55. Taleb, M. and Anbari, M., 2008, **Rural Sociology with Emphasis on Change and Development Dimensions in the Rural Community of Iran**, Tehran University Press, Tehran. *(In Persian)*
56. Tavassoli, Gh., 2003, **Social Participation in Position of Anomic Society, The Relationship Between Injuries and Social Deviations with Participation**, Tehran University Press, Tehran. *(In Persian)*
57. Zowghi, M., 1995, **Strategies of Integration Land Under Rural Household's Cultivation**, Journal of Jihad, Vol. 16, No. 186-187. *(In Persian)*